

نویسنده : جینی لارویکس (Jeanne LaRoux).

منبع و تاریخ نشر : کونتر پنچ « 2017-03-17 ».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اسرار امنیت کشور ما

The secret to our nation security

دامن زدن به شعله های آتش از اسلام هراسی بخاطر پیداکردن مقصر اصلی برای «مشکل امنیتی» ما ؛ تنها دورخوردن به علامت (180) درجه کافی نیست . بلکه آسیب بزرگی از جهل محض است ؛ اگر ریس جمهور میخواهد که به چه شکل « از دوزخی که در آن چه میگذرد ویا چه چیزی جریان دارد» خارج شود ؛ در آن صورت



تصویر توسط (Shashi Bellakonda)

قبل از همه اوباید تاریخ ما را در شرق میانه مرور نماید ؛ تاریخی را که از همه امریکایی ها تا کنون پنهان نگه داشته شده است و آن اینکه ایالات متحده امریکا یک اتحاد نامقدس و کاملاً خشونت بار را با عقبمانده ترین نیروهای مذهبی ارتجاعی بخاطر تسلط نفوذ امپراتوری اش در شرق میانه انعقاد نمود ورنه در غیر آن هیچ تهدیدی از اسلامگرایی اکنون موجود نمی بود ویا کسی تصور آنرا نمیکرد.

داستان واسطوره شامل بازیگران معاصر همچو القاعده واسامه بن لادن وازسوی هم تقریباً یک قرن به عقب نگرستن؛ قطاری از متعصبان مذهبی را شنا سایی خواهیم کرد آنطوریکه این متعصبین قبلی وکنونی با این پنداشت که همه وهمه آنها بخاطرنیل وتا مین اهداف سیاسی ایالات متحده امریکا در منطقه ابزار درخور ستایش ومفید میتواند تلقی شود.

بازی بزرگ استعماری بریتانیا در خارج از متصرفات امپراتوری در آسیای مرکزی بغرض کنترول ونظارت از روسیه تزاری؛ لندن برآن شد که بسرعت هرچه بیشتر در حمایت از احیای اتحاد پان اسلامی پیشنهاد شده توسط سید جمال الدین افغانی متولد پارس (افتخار به ایرانی ها که سید جمال الدین را متعلق به ایران میدانند از مترجم) در سال «1883» بخاطر امنیت وگسترش سلطه بریتانیا بر میلیونها مسلمانان در مستعمرات اش با جمع آوری وبسیج کسانی از امپراتوری متزلزل عثمانی دست بکار شود؛ طرح وپیشنهاد این شخصیت فرصت طلب افغانی زمینه را برای گسترش جنبش بنیادگرایی از مصر تا افغانستان برای تطهیر ومنزه ساختن جهان اسلام از «کفار» سکولار مساعد ساخت وتلاش صورت گرفت که تا اگر به اینصورت اسلام پرشکوه وپر جلال خلافت قرن هفتم را مجدداً بازگردانند که البته اجرا وتحقق مفاهیم آن دوران خلافت؛ خلاف باورهای اکثریت مسلمانان ومنحرف ساختن آنها از دین اسلام چیزی دیگری نمیتواند شمرده شود.

با در نظر داشت گسترش پان اسلامی انگلیس ها در این راستا خدمات چشمگیری را در اتکا به شاهان وبای پیگیری مبارزه سرسختانه در سراسر قلمرو ومتصرفات خویش علیه ملی گرایی ملت ها وعلیه جنبش های استقلال طلبی انجام دادند وتقریباً در همان زمان پیمان افغانی - بریتانیایی به اتحاد وقرارداد دیگری دست بکار شدند: اتحاد با فاتحان وغارتگران دشت ها و بیابانها همچو خانواده «آل سعود» یعنی با بیرحمترین ووحشیترین قاتلان وجلادان وپیروی طریقت آیین وهابی که به جز از کشت وکشتار مخالفین خود تمرینی دیگری نداشتند پیمان مودت بستند و آنها را واداشتند تا به تخم افشانی تخمهای کثیف والوده شان در شهر ها ودر اماکن مقدس در سراسر شبهه جزیره عرب دست بکار شوند.

از سوی دیگر لندن در سال (1915) با شمیم عطر وبوی نفت در هوا حاضر شد که در ازای آن به «حاکم» ابن سعود علناً اظهار نماید که دولت انگلیس خود را متعهد میداند که از تاج وتخت خانواده «آل سعود» حمایت بعمل آورد؛ اسراف وولخرچی خانواده را از نظر مالی تامین نماید وبرای او فرصت دهد که بن سعود رزمندگان وحشی صفت اخوانی خود را بغرض تصرف وتسخیر سرزمین های خشک وبایر برای حاکمان اش به جنگ در سال (1920) براه اندازد. انگلیس ها همچنان در سال (1927) دولت جدید

عربستان را تبدیل به یک پایگاه برای فعالین جناح راست اسلامگرایی افراطی ساخت که بعداً ایالات متحده امریکا به صفت ولینعمت انگلیس نقش انگلستان را بازی کرد که این بازی تا هنوز دوام دارد .

دو روند ویا دوگزینه ویا دو گرایش اعم از «آل افغانی و سعودی و هابی» در سال (1928) هر دو گرایش باهم یکجا به تاسیس و ایجاد سازمان ویا جمعیت اخوان المسلمین در مصر به رهبری **حسن البنا** پرداختند و اسلام سیاسی را با هزینه های مالی از درآمد کانال سویز بریتانیا و کمک های مالی عربستان در سراسر جهان گسترش و براه انداختند و قبل از سپری شدن مدت های طولانی که سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی و واحدهای شبهه نظامی تشکیل شود ، ارزال و اوباش ها را در خدمت پادشاه مصر استخدام نمودند که بعداً در سال «1942» به تشکیل یک واحد تروریستی مخفی اقدام نمودند و توسط این گروه تروریستی به ترور و کشتار مقامات بلند بالای دولتی و قضات و حمله به اتحادیه های کارگری و سازمانهای سیاسی چپ داخل اقدامات شدند در حالیکه رهبری اخوان المسلمین همتراز با سلطنت در وسط قرار داشت که اکثر اعضای آن عمدتاً نظریه ضد امپریالیستی داشتند (**چونکه امپریالیستها با زهم آزادی های نیم بند را برای مردم میدهند و برای زن ها آزادی را همسان همه اتباع میدهند، زن ها را مجبور به حجاب پوشی نمیکند دست وپای انسان راهنگام ارتکاب جرم قطع نمیکند و به همینطور بسا آزادی های دیگر تبصره از مترجم)**) و واقعیتی که این خصیصه این گروه اسلامگرایان افراطی را سرویس اطلاعاتی ایالات متحده امریکا نتوانست که از آنها سلب نماید - در ختم جنگ دوم جهانی برادران اخوان المسلمین مواضع تبلیغاتی ضد کمونیستی را در دوران جنگ سرد از آن خود کردند و همچو تبلیغات و شعارهای تنظیم شده را بطور پیگیر از ایالات متحده امریکا دریافت میکردند .

در ازای نفت عربستان و حمایت های سیاسی در منطقه رییس جمهور ایالات متحده امریکا فرانکلین روزولت (Franklin D. Roosevelt) نفت را به مشا به سمت برای توافق امنیت میدانست و بخاطر توافق پیرامون آن با پادشاه عربستان در یک جلسه مخفی روی عرشه کشتی متعلق به امریکا بنام کشتی کینسی (Quincy) در کانال سویز در ماه فبروری سال «1945» ملاقات نمود و برای پادشاه عربستان قول داد که دولت او از او در مقابل تمام دشمنان داخلی و خارجی اش دفاع می نماید و با توجه به اهمیت نفت به برتری نظامی ؛ فرانکلین روزولت دو سال قبل از ختم وظیفه اش بعنوان رییس جمهور امریکا چنین اعلان کرد « من بدین وسیله دریافتم که دفاع از عربستان سعودی به دفاع از ایالات متحده امریکا یک امر حیاتی است » .

آیا دفاع از عربستان سعودی به زعم رییس جمهور فرانکلین یک امر حیاتی در دفاع از ایالات متحده امریکا بود؟ از اینکه ما تعهد نمودیم که از یک نظام فاسد سلطنتی فیودالی

که به گردن زدن عمومی انسانها در زیر نام جنایت بعنوان توهین به مقدسات و عدم وفاداری به خانواده سلطنتی مشق و تمرینی دیگری ندارند، ما با تعهد دفاع نظامی از آن خانواده چه وضعیتی را در آن کشور برقرار ساختیم - وضعیت ناهنجار و بیدادگر که بجز از ننگ و بیشر می تاریخ دیگر نامی به آن نمیتوان گذاشت. یا وضع چون تضمین تخفیف قیمت نفت و گسترش نفوذ حوزه و دایره ما در منطقه البته در ازای آن همه ناهنجاری ها و وحشیگری ها .

با رویت کور در ضدیت با کمونیزم و تمایل نازک و مرموز برای امپراتوری در شرق میانه این اقتدار گرایان ایالات متحده امریکا بودند که خود در مقابل استقلال طلبی و جنبشهای ملی دست بکار شدند و دین و مذهب و اسلامگرایی را بحیث وسیله و ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی خود بکار بستند و با همکاری عربستان بنیادگرا و اخوان المسلمین در برابر ناسیونالیزم افسانوی مصر قد برافراشتند «جمال ناصر» ملی گرای مصر را که او میخواست به تسلط حاکمیت بریتانیا و تداوم اقتدار پادشاهان خدمت گذار بریتانیا درد نیای عرب نقطه پایان گذارد او را از بین بردند و آن یک دیگری از دشمن سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا و بریتانیا آقای «مصدق» نخست وزیر انتخابی ایران را از آنکه او نفت ایران را از سلطه بریتانیا بیرون و ملی ساخت حکومت اوراطی یک کودتا منقرض ساختند ایالات متحده امریکا با نیروهای اسلامگرا «مومنان واقعی» در پاکستان، الجزایر و سودان برای رسیدن به اهداف خود متحد و یکجا شد، و در کنار آن بزرگترین خطا و اشتباه دیگر تاریخی ایالات متحده امریکا همانا آغاز و ادامه پرهزینه ترین جنگ در تاریخ امریکا از جنگ افغانستان میتوان نام برد که در تحت نظر ایالات متحده امریکا تاکنون دوام دارد .

واسواس و تشویش امریکا بخاطر کنترل عرضه نفت در جهان و پابین آوردن و پانادیده گرفتن اتحاد جماهیر شوروی موضوعاتی بوده که سیاست گذاران ایالات متحده امریکا نتوانستند این موضوعات را درست درک نمایند و با شمشیر دولبه خطرناک و اعمالی را که آنها انجام دادند هرگز انسانی و گوارا نبود - رئیس جمهور ایزنهاور و وزیر امور خارجه او با خوشی و مسرت مبنی بر استفاده جویی شان از بنیادگرایان اسلامی بعنوان یک سلاح در برابر اتحاد جماهیر شوروی هنگامیکه آنها «سعید رمضان» ایدئولوگ و سازماندهنده اصلی بین المللی اخوان المسلمین را به کاخ سفید دعوت نمودند از کار و اقدام خود اظهار مسرت نمودند و در عین زمان زمینه فعالیت داماد «حسن البنا» یعنی سعید رمضان را مساعد ساختند تا به ایجاد شعبات اخوان المسلمین در سرار دنیای عرب بپردازد، شعباتی که برادران اخوان المسلمین تروریست به ترور مقامات عالیرتبه مصر اقدام نمودند و مقامات دولتی را یکی بعد از دیگری ترور کردند و از سوی هم ایالات متحده امریکا در سال «1953» برای نخست وزیر مصر هنگام سفر به امریکا ویژه ورودی ندادند و محتوای چشم پوشی و اشنگتن از تاریخ این گروه خشن و منفور

وتروریست فقط و فقط بخاطر دسترسی به اهداف جغرافیایی سیاسی ایالات متحده آمریکا بود .

ریس جمهور آیزنهاور حتی قبل از پایان مأموریت خود تلاش زیاد بخاطر ادامه اتحاد مستحکم با عربستان سعودی را در سرخط اجندای کاری خود قرار داده بود . چنانچه شماری از این اسلامگرایان افراطی بخش های عمده رسمی سیاست خارجی عربستان را بدست آوردند و به ارسال مبلغان اسلامی و هابی در سراسر جهان دست بکار شدند ، لیگ جهانی اسلام و کنفرانس اسلامی را در سال «1960» تاسیس نمودند و بعداً در سال (1972) مجمع جهانی جوانان مسلمان را بوجود آوردند که یک شاخه ای از این مجمع جوانان در ایالات متحده آمریکا در تحت نظر عبد الله بن لادن در (Falls Church) و در (Virginid) رهبری میشد که بعداً این شعبات در تحت بررسی (FBI) آمریکا قرار گرفت .

حمایت نظامی از عربستان سعودی در ادوار زمامداریهای روسای جمهور ایالات متحده آمریکا هر یک جانسون (Jonson) ، نکسن (Nixon) و ریگن (Reagon) نه تنها که بقدرت خود باقی ماند بلکه از آن بیشتر و بیشتر گردید ؛ و این زعمای ایالات متحده آمریکا بیدریغ و سرسختانه تاکید می نمودند که اسلام گرایان کلید برنده در جنگ سرد هستند ، چنانچه این تاکیدات در دوران زمامداری جیمی کارتر (J.Carter) به صفحه و درجه تا بناک خود به تاسی از پیشنهاد مشاور امنیتی او آقای زیکنیو برژینسکی رسید چونکه برژینسکی به ریس جمهور جیمی کارتر پیشنهاد نمود که بنیادگرایان تندرو اسلامی افغانستان را در مقابل اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان با ید مسلح ساخت تا آنکه افغانستان برای شورویها مبدل به ویتنام گردد ؛ همان بود که جیمی کارتر در سال (1979) دستور داد که گروه کوچک از این بنیادگرایان اسلامی افغانی را باید بشکل مخفیانه مسلح ساخت تا شوروی ها به تله ویا بدام افغانستان بیفتند . قماری بود که موفق از آب درآمد . اداره اطلاعات ایالات متحده آمریکا (سی آی ای) در تبانی با سازمان (آی اس آی) پاکستان دست به یک سلسله عملیاتیهای مخفی زد و در بین سالهای (1979) تا (1989) بودجه تسلیحاتی و آموزشی در حدود (35000) نفر افراط گرایان اسلامی را تامین نمود و این شماری از افراط گرایان اسلامی در تحت نظر اوسامه بن لادن دست به جنگهای چریکی علیه نظامیان اتحاد شوروی در افغانستان زدند ؛ مجاهدینی را که رونالد ریگن ریس جمهور ایالات متحده آمریکا اینها را به صفت «مبارزان راه آزادی» ستایش نمود وقتی که در اواخر سال (1998) از بریژینسکی در مورد تخریبات و خرابی های بوجود آمده از جانب بنیادگرایان بخصوص که برخی از تا سیاست آمریکا نیز از حمله آنها مصون باقی نماند و با این واقعیت که «جنگ مقدس» ده ساله برای طالبان یک ظلیعه بود پرسیده شد که جناب شما از فرموده خویش به ارتباط این بنیاد گرایان نادم

و پیشیمان نیستید اودریک پاسخ سرسختا نه خودچنین گفت: زده شدن برخی از مسلمانان عصبانی در مقایسه با برانداخته شدن اتحاد جماهیر شوروی در یک باطله دانی و ایجاد یک ویتنام برای شوروی به نظر او چیزی بحساب نمی آید؛ بناً چه چیزی بتاریخ جهان مهم است؟ طالبان یا فروپاشی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی؟

از جنگجویان آزادیخواه تا دشمنان عامه:

این جنگ موفق نیا بتی با صرف چند میلیارد دالر بطور کامل توسط اداره رونالد ریگان و جورج دبلیو بوش و متحد نزد یک آنها عربستان سعودی تمویل شد و بالای ده ها هزار نفر از افراط گرایان اسلامی متعصب مذهبی فشا ر وارد کردند که آنها به افغانستان بروند و در «جنگ مقدس» بخاطر اخراج شوروی های «کافر» از سرزمین مسلمانان شرکت ورزند. لذا این همه بنیاد گرایان اسلامی متعصب مذهبی در کمپ های واقع در پاکستان تحت نظر کارشناسان و نظامیان پاکستانی تحت آموزش و مهارت های نظامی قرار گرفتند و اداره اطلاعات ایالات متحده امریکا (سی آی ای) پیشرفته ترین سلاحها را بشمول ستنگر و مزایل و ماهواره ای شناسایی مواد منفجره پلاستیکی سامان الات مطمئن و مدرن مختاراتی و بسا مهمات جنگی دیگری را در اختیار این متعصبین مذهبی گذاشت. این زمانی است که در داخل عربستان رژیم سلطنتی از اینکه اسامه بن لادن در (دفاع از اسلام) کنون به قهرمان مبدل شده به مخالفت برخاست و چنین پنداشت که این چریک مبارز و بهترین آموزش دیده در جهان شاید توانایی هرچه بیشتر و بیشتر تر را بدست خواهد آورد که در آن صورت رژیم سلطنتی عربستان چه که بزرگترین ابر قدرت را بزانو در خواهد آورد.

هنگامیکه در سال (1988) دامنه تبلیغات به ارتباط اسامه رو به اوفول نهاد یا کاهش یافت در این وقت اسامه بن لادن برای گسترش جهاد در چین، بوسنی، سودان و اریتر برنامه ریزی کرد و سازمان القاعده را بوجود آورد که بعد از تشکیل سازمان القاعده «زنجیره ای طلایی» منابع مالی عربستان سعودی مقید به یکرشته شرایط توسط اعانه دهندگان گردید، و بعد از خروج قطعات نظامی اتحاد شوروی از افغانستان جنگ داخلی در آن کشور آغاز گردید که در نهایت امر ریس اطلاعات عربستان سعودی شهزاده ترکی فیصل تصمیم گرفت که گروه از دانش آموزان مذهبی بنیاد گرا یعنی طالبان را بسیج و آنها در جنگ علیه افغانستان از نظر مالی و معنوی کمک و حمایت نماید.

اما زمانی که عربستان سعودی بعد از حمله عراق بر کویت در سال (۱۹۹۰) به امریکا اجازه داد که در عربستان سعودی حضور دائمی داشته باشد یعنی که امریکا در عربستان سعودی پایگاه نظامی داشته باشد درین وقت اسامه بن لادن یک جنگ مقدس را علیه سلطنت عربستان سعودی و علیه کسانی که با فهم و درک همه جانبه اجازه بدهند که امریکا با حضور اشغال نظامی خارجی در شهرهای مقدس اسلامی حضور یابد اعلام

نمود - وازسوی هم نارضا یتی انباشته شده ناشی از تهدید فلسطین و تلاش برای تحمیل یک خط لوله ایالات متحده امریکا از طریق افغانستان موضوعات زمان بود واین خودزمینه سازی بخاطر رسیدن و ضربه زدن به سواحل ما ازسوی امریکا میباشد .

از درس ها با یاد عبرت گرفت: همانطور که در داستان شاگرد جادوگر جاروب او با چرخیدن در تار و پند از کنترل اش خارج شد؛ نیروهای را که ما فکر میکردیم که ممکن آنها را به نفع خودمورد استفاده قرار داده و از آنها ابداً دست نخواهیم کشید ولی آنها را دیگر هرگز ندیدیم بلکه آنها خود رشته ای زندگی شان را خود بدست گرفتند؛ لذا تعقیب پالیسی کوتاه نظرانه ای خودی ز بیگنیو برژینسکی وجورج دبلیو بوش از نظر تاریخ قبل توجیهه نبوده بلکه ثابت شد که این یک سیاست عظیم سوء رفتار و بدکرداری بود که منجر به مرگ و بسا نا امنی های کنونی گردید؛ سیاستی به ارزش شکست اتحاد جماهیر شوروی و به بهای ایجاد شبکه القاعده در سراسر جهان؟ حمله یازدهم ماه سپتمبر تخم هرزه ای دیگر در کشت و زرع ما از نوع متعصبان مذهبی خطرناکی بود که ما از آنها فقط دانش و شناخت سطحی محضاً با تمویل پول و کسب قدرت داشتیم؛ حمله امریکا به عراق نه تنها که آن کشور را بخاکستر نشاند بلکه سا زمان القاعده را به حیث یک « اُمت» بوجود آورد که قبلاً تصور آن نمیشد و یا هرگز وجود نداشت - نهادی که بعداً به تشکل دولت اسلامی به ظاهر شکست ناپذیر عرض وجود کرد یعنی دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه که رهبران ما در انتظار آن بودند.

اگر شما از دیگران انتظار آنرا ندارید آنچه را که شما نمیخواهید بشما انجام دهند پس در آنصورت از لطمه ای که از انجام کار آنها بشما رسیده است شما حق دارید که از آن ملعون ها ناله و فریاد نماید .

و بدترین گناه آنست که ما به عجله و شتاب از خطاهای که از ما سرزده است آنرا اصلاح نه نمایم؛ گناه ای را که بصورت کل دین و مذهب را به نسبت شماری از منحرفین و روگردان از آیین و مذهب شان سرزنش نمایم که این نوع عمل خود کمک کردن به ایجاد همچو تقصیر و گناه میباشد از اینکه تمام مسلمانان را بعنوان دشمن خطاب نمایم که این خود بجز از یک عمل شنیع و بزدلی و فرصت طلبی سیاسی چیزی دیگری نیست؛ و یا یک عمل غیر اخلاقی در قبال آن میتواند باشد - چونکه این اخوان المسلمین - اخوان المسلمین قرن بیستم نیستند اگر رئیس جمهور این توان را داشته باشد که بین اسلام و اسلام افراطی، تروریست و دیگر «6، 1» بلیون پیروان دین اسلام دوهمین مذهب و آیین بزرگ در جهان تمایز نماید و یا خط فاصل روشن بکشد در آنصورت میتواند گفت که او یعنی رئیس جمهور بادرک مسولیت از ما بعنوان یک ملت مصونیت مارا در مقابل همچوالام حفظ خواهد نمود البته که این نخستین گامی بسوی نابودی و دفع تهدید امنیتی ما خواهد بود و ما هرچه عاجل نیاز به اعلام و اذعان به حقیقتی داریم قبل از

آنکه فراتر از نقطه بدون بازگشت را فراگیریم .

با تقدیم احترامات « 31-3-2017 » .